

امکان‌سنجی تعلیق حق‌های آزادی رفت و آمد

و دسترسی به اطلاعات در همه‌گیری کرونا

DOR: 20.1001.1.23225637.1400.10.1.9.9

نوع مقاله: پژوهشی

عقیل محمدی^۱، فائزه سادات سجادی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶

چکیده

برخی دولتها به منظور حفظ سلامتی شهروندانشان در همه‌گیری کرونا، اجرای حق‌های آزادی رفت و آمد و دسترسی به اطلاعات را تعلیق کردند. مقاله‌ی پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی به این سؤال پاسخ می‌دهد که به لحاظ مقررات بین‌المللی حقوق بشر، تعلیق حق‌های بشری مزبور در همه‌گیری کرونا به چه نحو امکان‌پذیر است؟ مقیاس و شدت همه‌گیری کرونا، آشکارا آن را به سطح یک وضعیت اضطراری عمومی تهدید کننده‌ی موجودیت ملت از جمله مطابق با ماده‌ی ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی رسانده است و از این رو به طور بالقوه، امکان تعلیق حق‌های مزبور در مقام صیانت از سلامت عمومی مشروط به اعلام وضعیت به سایر دولتها، رعایت اصول ضرورت، تناسب و عدم تبعیض و نیز عدم مغایرت اقدامات تعلیقی با دیگر تعهدات بین‌المللی دولت وجود دارد. البته در عمل، دشوار می‌توان از رعایت تمامی این عناصر توسط دولتها در همه‌گیری کرونا سخن گفت و وضعیت هر دولت باید به طور جداگانه بررسی شود. در مجموع دولتهایی که مشخصاً بدون رعایت مفاد ماده‌ی ۴ میثاق، حق‌های مذکور را تعلیق کرده‌اند، مرتکب تخلف بین‌المللی شده‌اند. بویژه در مورد دولتهایی که با توجه به شیوع پایین بیماری در آنها، صرفاً محدود کردن این حق‌های بشری به جای تعلیق کفایت می‌کرد، می‌توان به نقض اصول ضرورت و تناسب اشاره کرد. از منظر بعد زمان بکارگیری اقدامات تعلیقی هم به نظر می‌رسد تعلیق حق آزادی رفت و آمد به عنوان یکی از راه‌های ممکن و معقول در ماه‌های ابتدایی شیوع کرونا بواسطه‌ی ناشناخته بودن خطرات آن، تا حدود زیادی قابل توجه باشد.

واژه‌گان کلیدی: تعلیق حقوق بشر، حیات ملت، کرونا، سلامتی عمومی، کووید-۱۹، وضعیت اضطراری عمومی.

۱- استادیار حقوق بین‌الملل، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
(نویسنده مسئول) mohammadiaghil10@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، واحد پردیس بین‌الملل، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

مقدمه

ویروس «کووید-۱۹»^۱ به عنوان یکی از انواع نوظهور کرونا ویروس‌ها می‌باشد که در دسامبر ۲۰۱۹ و در مدت زمان کوتاهی از شهر «ووهان»^۲ چین به تمامی کشورهای دنیا سرایت پیدا نمود. شیوع این ویروس به سرعت سلامتی و حیات بسیاری را هدف قرار داد و روز به روز بر آمار مبتلایان و قربانیان این بیماری افزوده شد. سازمان جهانی بهداشت در تاریخ ۳۰ ژانویه ۲۰۲۰ «وضعیت اضطراری بهداشتی بین‌المللی» (World Health Organization, 30 January 2020) و در ۱۱ مارس ۲۰۲۰ تغییر و ارتقاء وضعیت از «شیوع»^۳ به «همه‌گیری»^۴ جهانی را اعلام نمود (World Health Organization, 11 March 2020). ظاهراً این اصطلاح اخیر نخستین بار در نتیجه‌ی نگرانی‌های ناشی از شیوع سریع این ویروس در سطح دنیا مطرح شده است (Taghvae & Lorkojuri, 2020: 3). این بیماری همچنین تمامی عرصه‌های زندگی بشری بویژه اقتصاد جهانی را در یک شوک و رکود بی‌سابقه فرو برد. دولت‌ها جهت قطع زنجیره‌ی انتقال ویروس اقدامات پیشگیرانه و مقابله‌ای مهمی شامل قرنطینه‌ی خانگی، فاصله‌گذاری اجتماعی، محدودسازی یا منع تشکیل اجتماعات، رفت و آمدها و مسافرت‌های داخلی و بین‌المللی و نیز تعطیلی بسیاری از مراکز ارائه‌ی خدمات و اماکن تجاری را اتخاذ کردند.

از همان روزهای نخست شروع بحران کرونا، ابعاد حقوقی بین‌المللی آن نیز مورد توجه ویژه قرار گرفت، زیرا در نتیجه اتفاقات و محدودیت‌های اعلام شده، بسیاری از دولت‌ها از اجرای تعهدات بین‌المللی خود بازماندند. علاوه بر تعهدات تجاری و سرمایه‌گذاری

1. COVID-19

2. Wuhan

3. Epidemic

4. Pandemic

خارجی، دولت‌ها حق‌های بشری چون آزادی رفت و آمد، تشکیل اجتماعات، دسترسی آزادانه به اطلاعات و حق بر حریم خصوصی را نیز نقض کردند. جالب اینکه اگرچه اساساً دولت‌ها با هدف تضمین سلامت عمومی، از چنین تدابیری بهره بردند، اما در آن سوی قضیه، مشخصاً همین اقدامات به نقض حق‌های بشری مذکور انجامید. البته نباید فراموش کرد که برخی دولت‌ها هم به دلیل سهل‌انگاری یا ناتوانی در اتخاذ اقدامات مقابله‌ای، مرتکب نقض حق‌های بشری چون حق بر سلامت و حق حیات مردمانشان شدند. به هر حال، آنچه در این میان مهم جلوه می‌کند، چالش ایجاد تعادل و تعامل میان حفظ سلامت عمومی از یک سو و اجرای سایر حقوق بشر از سوی دیگر در فرایند مقابله با ویروس کرونا است.

در نظام حقوق بین‌الملل بشر از جمله بر پایه‌ی ماده‌ی ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده‌ی ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به دولت‌ها اجازه داده شده است که در یک وضعیت اضطراری عمومی (وضعیت بحرانی و استثنائی مانند جنگ، ناآرامی‌های داخلی، بحران‌های اقتصادی و امنیتی) که خطر بالفعل یا قریب‌الوقوعی حیات و تمامیت سازمان‌یافته ملت را تهدید می‌کند، اجرای برخی حق‌های بشری را تعلیق کنند. قانونی بودن اقدام در این خصوص منوط به اعلام وضعیت اضطراری به سایر دولت‌ها، موقتی بودن اقدامات، رعایت اصول ضرورت، تناسب، منع تبعیض و احترام به سایر تعهدات بین‌المللی دولت است. نظر به این مسئله و با توجه به اینکه حق‌های آزادی رفت و آمد، تشکیل اجتماعات و دسترسی به اطلاعات از جمله حقوق بشر غیرمطلق (قابل عدول) در وضعیت‌های اضطراری عمومی محسوب می‌شوند، این سؤال مهم مطرح می‌شود که به لحاظ مقررات بین‌المللی حقوق بشر، تعلیق حق‌های بشری مزبور در همه‌گیری کرونا به چه نحو امکان‌پذیر است؟

نظر به آنچه گفته شد، این مقاله از سه قسمت اصلی تشکیل شده است؛ نخست وضعیت همه‌گیری کرونا با شاخصه‌های وضعیت اضطراری عمومی تطبیق داده می‌شود. در قسمت دوم، به اجمال نگاهی به وضعیت اجرای حق‌های آزادی رفت و آمد و دسترسی به اطلاعات در این همه‌گیری انداخته می‌شود. قسمت سوم به بررسی مشروعیت استناد دولتها به نظام تعلیق حق‌های بشری جهت توجیه نقض این حق‌ها اختصاص می‌یابد.

۱. شناسایی کرونا به عنوان یک وضعیت اضطراری عمومی؟

وقوع اتفاقاتی همچون ناآرامی‌ها داخلی، جنگ و بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که بتواند موجودیت یک دولت و ملت را به مخاطره افکند، امری کاملاً محتمل است. در چنین وضعیت‌های، دولتها جز با بکارگیری سازکارهای فوق‌العاده و اعمال یک سری محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها در مسیر اجرای حقوق بشر نمی‌توانند از عهده‌ی صیانت از سلامت، جان و امنیت شهروندانشان برآیند. بدیهی است که اجرای همزمان تعهد بین‌المللی به رعایت حقوق بشر از یک سو و کنترل وضعیت اضطراری به عنوان یک الزام حقوقی برای دولتها از سوی دیگر با دشواری همراه است (Zamani & Esfandiary, 2017: 10). جامعه‌ی بین‌المللی راه‌حل حقوقی این مشکل را در قانون‌مند اعلام کردن «تعلیق / عدول»^۱ از اجرای حقوق بشر در وضعیت «اضطراری (فوق‌العاده) عمومی»^۲ دانسته است. در این خصوص، به طور مشخص بند ۱ ماده‌ی ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با هدف قادر ساختن دولتها برای کنترل وضعیت بحرانی پیش‌آمده و نیز حمایت و ارتقاء حقوق بشر به دولتها اجازه داده است که در وضعیت‌های اضطراری عمومی که

1. Derogation

2. Public Emergency

حیات یک ملت تهدید می‌شود، دست به تعلیق اجرای برخی تعهدات خود به موجب میثاق بزنند. در چنین وضعیتی دولتها مشروط به اعلام وضعیت به سایر دولتها، موقتی بودن اقدامات، رعایت اصول ضرورت، تناسب و عدم تبعیض و عدم مغایرت اقدامات با سایر تعهدات بین‌المللی دولتها، قادرند تدابیری خارج از الزامات مقرر در میثاق اتخاذ کنند. (International Covenant on Civil and Political Rights, 1966: Art.4 (1)).^۱ بند ۱ ماده‌ی ۱۵ «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»^۲ و ماده‌ی ۲۷ «کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر»^۳ نیز مقرره‌ی تقریباً مشابه‌ای را بیان داشته‌اند.

به طور کلی رویه‌ی دولتها در استناد به وضعیت‌های اضطراری عمومی و استنباط از تعهدات حقوق بشر به طور وسیعی گسترش یافته است و حتی تعداد زیادی از دولت‌ها، در حالت اضطراری منظم و ثابت بوده‌اند. در این میان، دلایلی که موجب چنین بروز وضعیت‌های شده‌اند، اغلب بر اثر شورش‌ها و ناآرامی‌های داخلی جدی بوده است؛ به طوری که طی سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۸۵، حدود نیمی از دولت‌های جهان تحت یک حالت اضطراری واقعی گزارش شدند و بسیاری از کشورها در این دوره، شرایط اضطراری خود را تمدید یا مجدداً معرفی اعلام کردند (Sheeran, 2013: 510-511) البته در این میان نیز باید اشاره داشت که منطبق میثاق بر این پایه استوار است که دولت‌ها در شرایط اضطراری، تا حد امکان حقوق را محدود نمایند تا این که آنها را تعلیق کنند. در این راستا

۱. مطابق بند ۲ ماده‌ی ۴، تعلیق اجرای مواد ۶، ۷، ۸ (بندهای ۱ و ۲)، ۱۱، ۱۵، ۱۶ و ۱۸ امکان‌پذیر نیست.

۲. این کنوانسیون امکان تعلیق در زمان جنگ و سایر وضعیت‌های فوق‌العاده‌ی عمومی که تهدیدکننده حیات ملت است، را پیش‌بینی کرده است.

۳. در چارچوب این سند، از مجور دول عضو برای تعلیق حق‌های بشری در زمان جنگ، خطر عمومی یا دیگر وضعیت‌های فوق‌العاده‌ی تهدیدکننده‌ی استقلال یا امنیت دول صحبت شده است.

برای نمونه برخی از دولتها همانند «قبرس»^۱، «سورینام»^۲، «مکزیک»^۳ و «عراق»^۴، در وضعیت‌های اضطراری عمومی ناشی از عوامل مختلف، بر اساس نظام محدودسازی حقوق بشر عمل نکرده و به نظام تعلیق استناد کرده‌اند. برای مثال در ماه مه ۱۹۷۶، انگلستان تحت ماده ۴ میثاق، دبیرکل سازمان ملل را در جریان یک وضعیت اضطراری عمومی که تهدید کننده‌ی حیات ملت و ناشی از کارزارهای مربوط به تروریسم سازمان‌یافته مربوط به ارتش جمهوری‌خواه ایرلند شمالی است، گذاشت. این اعلامیه، منعکس کننده‌ی قصد دولت انگلیس مبنی بر اتخاذ اقداماتی بود که در بردارنده برخی از اقدامات ناسازگار با مفاد مواد ۹، ۱۰(۲)، ۱۰(۳)، ۱۲(۱)، ۱۴، ۱۷، ۱۹(۲)، ۲۱ و ۲۲ میثاق و نیز انحراف از آنها در نتیجه‌ی وضعیت اضطراری عمومی بود. متعاقب آن انگلیس در آگوست سال ۱۹۸۴، قصد خود مبنی بر اتمام استناد خود به نظام تعلیق حقوق بشر به دلیل مرتفع شدن وضعیت اضطراری عمومی را اعلام کرد (McGoldrick, 2004: 384).

در نمونه‌ی دیگری ایرلند در سال ۱۹۵۷، در راستای مقابله با فعالیت‌های ارتش جمهوری‌خواه ایرلند و گروه‌های معاند آن، ذیل ماده‌ی ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به نظام تعلیق حقوق بشر متوسل شد. در قضیه‌ی مشهور «لالس علیه ایرلند»^۵ (۱۹۵۷) که در نتیجه‌ی اقدامات این کشور برای مقابله با وضعیت اضطراری مطرح شده بود، مدعی اظهار داشت که وی از ژوئیه تا دسامبر ۱۹۵۷، در بازداشت نظامی در ایرلند بدون حضور قاضی به سر برده است. در این راستا دیوان اروپایی حقوق بشر ارزیابی نمود که معنای طبیعی و عرفی عبارت «سایر شرایط تهدید کننده‌ی حیات ملت» مندرج در ماده‌ی ۱۵، کاملاً واضح

1. UN Doc. A/34/40, 1979, p. 383.

2. UN Doc. A/35/40, 1980, p. 297.

3. UN Doc. A/54/40, Vol. I, 1999, p. 324.

4. UN Doc. A/46/40, 1991, pp.618-56

5. Lawless v. Ireland

بوده است. در واقع دیوان بر پایه‌ی توجه به عواملی چون وجود ارتش مخفی در قلمرو جمهوری ایرلند جهت انجام فعالیت‌های ضد قانون اساسی و استفاده از خشونت برای رسیدن به اهداف خود؛ فعالیت ارتش مذکور در خارج از کشور ایرلند و تهدید روابط این دولت با دولت‌های همسایه‌ی خود و افزایش مداوم و نگران‌کننده‌ی فعالیت‌های تروریستی از پاییز ۱۹۵۶ و نیمه اول سال ۱۹۵۷، به این نتیجه رسید که ادعای دولت ایرلند مبنی بر وجود وضعیت اضطراری عمومی تهدیدکننده‌ی حیات مردم این کشور و صدور اعلامیه‌ی ۵ ژوئیه ۱۹۵۷ این کشور در مورد اجرای اختیارات ویژه بازداشت در آن شرایط کاملاً موجه بوده است. بر این اساس، اقدامات این کشور با رعایت شرایط ماده‌ی ۱۵ صورت گرفته است (Factsheet: European Court of Human Rights, 2021: 3).

در خصوص احراز وضعیت اضطراری عمومی و استناد به ماده‌ی ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در رویه‌ی دیوان مذکور، مثال دیگری نیز قابل ذکر است. در ۲۱ آوریل ۱۹۶۷ و پس از سرنگونی رژیم یونان، دولت جدید، دبیر شورای اروپا را از قصد خود برای توسل به ماده‌ی ۱۵ جهت تعلیق حقوق معینی را طبق قانون اساسی یونان مطلع کرد. در این راستا دولت‌های دانمارک، نروژ، سوئد و هلند اقدام به طرح دعوی علیه یونان در کمیسیون اروپایی حقوق بشر کردند و بیان داشتند که این دولت برخی مواد کنوانسیون، به طور خاص ماده‌ی ۱۵ را نقض کرده است. در مقابل یونان اظهار نمود که کمیسیون صلاحیت بررسی وضعیت مذکور را ندارد، زیرا این دولت نمی‌تواند اقداماتی که بوسیله‌ی آن سعی در حفظ اقتدار خود دارد را کنترل نماید. کمیسیون در این پرونده ضمن احراز صلاحیت خود، اشعار داشت که از این جهت که در این پرونده، شرایط تهدیدکننده‌ی حیات یک

ملت وجود ندارد، لذا اقدامات یونان ذیل این ماده قابل پذیرش نیست) (Factsheet:

(European Court of Human Rights, 2021: 3-4

به طور کلی در طول قرن گذشته، دولتها به وضعیت‌های اضطراری در پاسخ به انواع بحران‌های واقعی و قابل درک، نه تنها تهدیدهای مرتبط با مداخله‌ی نظامی خارجی، بلکه ناآرامی‌های سیاسی، عمومی مدنی، جنایی یا خشونت‌های تروریست، اعتصابات کارگری، شرایط اضطراری اقتصادی، فروپاشی نهادهای عمومی، شیوع بیماری‌های عفونی و بلایای طبیعی استناد نموده‌اند (Criddle, Fox-Decen, 2012: 45).

در سطح بین‌المللی، بیماری کرونا به عاملی برای نقض طیفی از تعهدات بین‌المللی دولتها در قبال شهروندان خود و دیگر دولتها تبدیل شده است. حق‌های آزادی رفت و آمد، تشکیل اجتماعات، حریم خصوصی و دسترسی آزادانه به اطلاعات از مصادیق بارز این تعهدات می‌باشند. البته در مقابل، دولتها تلاش کرده‌اند که در پرتو تعهد بین‌المللی‌شان به اجرای حق بر سلامت در بحران کرونا، نقض حق‌های مزبور را توجیه و از خود رفع مسئولیت نمایند. به هر حال نظر به شرایط پیش‌آمده در پی همه‌گیری کرونا، دولتها استناد به نظام تحدید و تعلیق حق‌های بشری جهت توجیه عدم پایبندی‌شان به اجرای کامل حق‌های بشری مذکور را به عنوان یک راه‌حل قانونی پیش روی خود می‌بینند. در راستای امکان‌سنجی این امر، ضرورت دارد که در گام نخست بررسی شود که آیا همه‌گیری کرونا را می‌توان یک وضعیت اضطراری عمومی دانست؟.

۱-۱. مفهوم و مؤلفه‌های وضعیت اضطراری عمومی

کمیته‌ی حقوق بشر در تعریف وضعیت اضطراری عمومی، از آن به عنوان خطری نام می‌برد که حیات یک ملت را تهدید کند (UN Doc. CCPR/Rev.1.Add. 11,

2001: para.2). بنابر «اصول سیراکیز راجع به محدودسازی و تعلیق مقررات در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، این وضعیت، یک شرایط استثنائی و خطر واقعی یا قریب‌الوقوع است که حیات ملی را به مخاطره می‌افکند. کل جمعیت یا کل یا بخشی از سرزمین و حاکمیت یک دولت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. همچنین تمامیت فیزیکی جمعیت، استقلال سیاسی یا تمامیت سرزمینی دولت و وجود یا کارکرد نهادهای اصلی تضمین‌کننده حقوق مقرر در میثاق مزبور نیز با تهدید روبرو می‌شود (UN Doc E/CN.4/1984/4, 1984: Principle. 39). دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در تعریف این اصطلاح، به وجود یک خطر یا بحران استثنائی اشاره دارد که تهدیدکننده حیات سازمان‌یافته کل مردم یک جامعه به نحو بالفعل یا قریب‌الوقوع باشد (Mariniello, 2019: 49). همچنین در قضیه‌ی «الس علیه ایرلند»، کمیسیون حقوق بشر شرایط اضطراری عمومی را خطر یا وضعیت بحرانی بالفعل یا قریب‌الوقوع، استثنائی، مربوط به کل جمعیت، و تهدیدی برای زندگی سازمان‌یافته جامعه تعریف کرده است. در اصطلاح رایج نیز وضعیت اضطراری، نشان‌دهنده‌ی یک رژیم قانونی است که نهادهای عمومی تحت آن، از اختیارات خارق‌العاده‌ای برخوردار هستند تا تهدیدات مهم نظم عمومی را کنترل کنند (Criddle, Fox-Decen, 2012: 45-48).

از تعاریف فوق‌الذکر برمی‌آید که به منظور تلقی یک وضعیت به عنوان حالت اضطراری عمومی با هدف قاعده‌مند کردن تعلیق حق‌های بشری، تحقق یک سری شاخصه‌ها ضرورت دارد. استثنائی بودن وضعیت پیش‌آمده، نخستین مؤلفه است؛ بدین معنا که چنین وضعیتی صرفاً به شکل موقت و تا زمانی که عوامل بحران‌زا و تهدیدکننده مرتفع نشوند، برقرار است و برای همیشه استثنائی باقی نمی‌ماند. بعلاوه خطر ایجاد شده باید «قریب

الوقوع»^۱ و «فوری»^۲ باشد. این نشان می‌دهد که در واقع ضرورتی ندارد که حتماً با یک خطر بالفعل روبرو باشیم. منتها باید حد و میزان خطر به گونه‌ای باشد که آشکارا تهدیدی برای سلامت، جان و مال مردم جامعه محسوب شود.

تهدید «حیات ملت»^۳ شاخصه‌ی دیگر می‌باشد. به نظر می‌رسد آنگونه که اصول سیراکیز مقرر داشته است، منظور از آن، تهدید علیه تمامیت و موجودیت فیزیکی ملت می‌باشد و شاید آنگونه که برخی بیان داشته‌اند، در چنین مواقعی، شاهد نوعی فروپاشی آشکار هستیم (Zamani & Esfandiary, 2017: 16). البته لزوماً نباید با یک خطر و تهدید در سراسر کشور روبرو باشیم تا بتوانیم از وجود یک وضعیت اضطراری عمومی صحبت کنیم. بلکه اگر خطر موجود در بخشی از سرزمین، به تهدیدی برای کل جمعیت ساکن در یک سرزمین تبدیل شود، مؤلفه‌ی مذکور محقق شده است. البته آنگونه که کنوانسیون‌های اروپایی و آمریکایی حقوق بشر دلالت دارند، وقوع چنین تهدیدی را صرفاً نباید به زمان اتفاقاتی چون جنگ محدود دانست. هرگونه اوضاع و احوال استثنائی یا خطر عمومی دیگر همچون بحران‌های اقتصادی یا امنیتی شدید، فاجعه‌های طبیعی یا زیست‌محیطی و شیوع بیماری‌های ویروسی مهلک که امنیت، سلامت و زندگی جمعیت گسترده‌ای را متأثر می‌کنند، می‌توانند مصداق یک وضعیت اضطراری عمومی تلقی شوند. شایان ذکر است که با توجه به فوق‌العاده بودن شرایط، کنترل چنین وضعیتی نیازمند اتخاذ سیاست‌های اضطراری، تغییر در عملکرد و رفتار عادی دولت و مردم می‌باشد.

1. Imminent

2. Immediate

3. Life of the Nation

در ادامه به طور خاص به این سؤال مهم پاسخ داده می‌شود که آیا بحران‌های بهداشتی پیش‌آمده در پی همه‌گیری کرونا، قابل شناسایی در گستره‌ی وضعیت اضطراری عمومی در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل می‌باشد یا خیر؟

۲-۱. تطبیق واقعه‌ی همه‌گیری کرونا با شاخصه‌های وضعیت اضطراری عمومی

بیماری‌های ویروسی و عفونی واگیردار به عنوان خطرناک‌ترین موارد تهدید کننده‌ی سلامتی بشر شناخته می‌شوند. موارد مرتبط با بهداشت عمومی جهانی، بیش از حد مستعد ایجاد بحران‌های بهداشتی به عنوان وضعیت‌های اضطراری هستند؛ به گونه‌ای که می‌توان حتی آنها را با تهدیدهای امنیتی هم‌تراز دانست. «مقررات بین‌المللی سلامت» (۲۰۰۵) سازمان جهانی بهداشت وضعیت اضطراری عمومی در حوزه بهداشت و سلامت را به عنوان یک رویداد فوق‌العاده تعریف کرده است که خطر و تهدید سلامت عمومی در دیگر کشورها را از طریق شیوع بین‌المللی بیماری به همراه دارد. مقابله با چنین شرایطی به طور بالقوه نیازمند اقدام فوری و پاسخ هماهنگ بین‌المللی است. (International Health Regulations, 2005: Art.1).

گسترده‌گی و سرعت بالای شیوع ویروس کرونا و افزایش لحظه به لحظه تعداد مبتلایان و مرگ و میر ناشی از آن به نحوی بود که سازمان جهانی بهداشت در همان اوایل راه، با اعلام وضعیت اضطراری عمومی، از این بیماری ویروسی به عنوان یک وضعیت اضطراری و نگرانی بهداشتی بین‌المللی نام برد. این سازمان ضمن هشدار جدی و متعدد به تمامی کشورها، خواستار اتخاذ اقدامات پیشگیرانه و مقابله‌ای فوری برای کنترل ویروس گردید. این سازمان با چین به عنوان کشور منشأ بیماری تماس‌های روزانه و مکرر برقرار کرد تا از این طریق بتواند زمینه‌ی انجام مطالعات فوری این کشور در باب شدت و انتقال ویروس، به

اشتراک‌گذاری داده‌های بیولوژیکی مرتبط با بیماری و نیز همکاری لازم با کشورهای نیازمند مساعدت را فراهم کند (World Health Organization, 30 January 2020). البته ناگفته نماند که پیش از این، سازمان جهانی بهداشت در ارتباط با شیوع بیماری‌های ویروسی مانند «آنفلوآنزای خوکی»^۱ (آوریل ۲۰۰۹)، «ویروس پولیو»^۲ (می ۲۰۱۴) و «ویروس ابولا»^۳ در آگوست ۲۰۱۴ نیز اعلام وضعیت اضطراری عمومی کرده بود (Zidar, 2915: 510).

در سطح دولتها، شاهد تفاوت در عملکردها بودیم؛ بدین صورت که از همان ابتدا برخی دولتها از جمله کشورهای اروپایی علی‌رغم ناشناخته بودن بیماری، وضعیت اضطراری بهداشتی اعلام کردند. آنها تلاش کردند با اتخاذ اقداماتی چون قرنطینه‌ی خانگی، تجویز استفاده‌ی از تجهیزات پزشکی، محدودسازی و منع رفت و آمد و مسافرت‌های درون‌مرزی و برون‌مرزی، فاصله‌گذاری اجتماعی و تعطیلی بسیاری از کسب و کارها با شیوع بیش از پیش کرونا مقابله کنند (See e.g.: European Parliamentary Research Service, 2020). البته خود این محدودیت‌ها نیز به نوبه‌ی خود بر عملکرد جوامع تأثیر گذاشته و زندگی ملت‌ها را تهدید کرده است. در مقابل، دولتهایی مانند ایران هم بودند که شاید از روی غفلت، کمی دیر متوجه وخامت اوضاع شدند و با تأخیر اقدامات مزبور را در پیش گرفتند. به هر حال از آن جا که ویروس کرونا، یک بیماری عفونی با قابلیت انتقال و کشندگی بالا است، اتخاذ اقدامات پیشگیرانه و مقابله‌ای فوق‌الذکر ضرورت فوری دارد؛

1. H1N1 influenza (swine flu)

2. Poliovirus

3. Ebola

بویژه از آن جهت که پزشکان و متخصصان مدام هشدار می‌دهند که انتظار نمی‌رود این شرایط، موقتی پایدار باشد و زمان دقیق اتمام بیماری نیز قابل پیش‌بینی نیست.

همه‌گیری کرونا بیش از هر چیز دیگری، سلامت جسمی و روحی مردم دنیا را تحت تأثیر قرار داد. در پی اختلالات ایجاد شده در زنجیره‌ی تأمین خدمات و تجهیزات پزشکی به خصوص در ارتباط با کارکنان سلامت و واکنش دیر هنگام برخی دولتها به وضعیت بوقوع پیوسته، شاهد نقض حق بر سلامت توسط آنها بودیم. تا تاریخ ۵ جولای ۲۰۲۱، این بیماری نزدیک به ۱۷۰ میلیون نفر را به خود مبتلا کرده است و نزدیک به ۴ میلیون نفر را نیز به گام مرگ کشانده است (<https://coronavirus.jhu.edu/> 5 July, 2021).

در راستای احراز وضعیت اضطراری عمومی در این همه‌گیری، برای نمونه دیوان اروپایی حقوق بشر ضمن اهمیت قائل شدن برای یافته‌های دادگاه‌های ملی در ارزیابی‌های خود، طیف گسترده‌ای از مؤلفه‌ها را مدنظر قرار داده است، شامل تعداد افراد مبتلا نیازمند به بستری، عدم موفقیت سیستم‌های بهداشتی داخلی، نیاز به جلوگیری از شیوع بیشتر ویروس در کشورهای آسیب‌دیده یا سایر شرایط استثنایی که زندگی یک ملت را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Jović, 2021: 550). البته احراز این مسئله که وضعیت ناشی از شیوع ویروس کرونا به عنوان یک وضعیت اضطراری عمومی تهدید کننده‌ی حیات ملت می‌باشد، با چالش روبرو نمی‌باشد؛ بلکه احراز شرایط تعلیق حقوق بشر است که مسئله محوری و نیازمند بررسی است.

در کل به نظر می‌رسد میزان بالای شیوع ویروس، تعداد بالای ابتلا و مرگ و میر آنها بعد از گذشت تقریباً ۱ سال از شیوع بیماری، و آثار و بحران‌های بیشماری که در پی آن بروز کرده‌اند، به وضوح این همه‌گیری را به سطح تهدید بالفعل سلامت عمومی و حیات

ملت به عنوان شرط تحقق وضعیت اضطراری عمومی در حوزه سلامتی و بهداشت رسانده است. مشخصاً در این بحران، سیستم بهداشتی برخی از کشورها نتوانستند به نحو مطلوب پاسخگوی نیازهای بهداشتی شهروندانشان باشند. در روزهای نخست عمده‌ی کشورها با کمبود تجهیزات پزشکی چون ماسک‌های بهداشتی، تخت‌های بیمارستانی، کپسول‌های اکسیژن، کیت‌های تشخیص کرونا روبرو شدند. اگرچه برای مقابله با این بیماری، برخی کشورها اقدام به تولید واکسن‌های اضطراری کردند، اما عملاً تنها تعداد معدودی از کشورهای پیشرفته‌ی دنیا توانسته‌اند به صورت محدود اقدام به واکسین‌ی شهروندانشان کنند. در واقع در نبود واکسن و داروی قطعی، کرونا همزمان یک خطر قریب‌الوقوع هم محسوب می‌شود؛ به طوری که به مراتب نیاز روز افزون به واکسن در جهت صیانت از سلامت عمومی توسط دولت‌ها احساس می‌شود. این نیاز زمانی تشدید می‌شود که بدانیم عدم اتخاذ اقدامات مهارکننده‌ی جدی توسط برخی از دولت‌ها، منجر به افزایش آمار ابتلا و قربانیان این ویروس گشته است. در کل باید گفت که این همه‌گیری منجر به وقوع شرایط استثنائی شده است که در مقایسه با شرایط عادی، محدودیت‌هایی را در زمینه‌ی اجرای حقوق بشر از لحاظ زمان و دامنه‌ی اجرا به دنبال داشته است.

دیدگاه کمیته‌ی حقوق بشر هم در باب تلقی وضعیت اضطراری عمومی از شرایط پیش‌آمده قابل توجه است و علناً تأییدی بر مطالب فوق‌الذکر می‌باشد. این نهاد در آوریل ۲۰۲۰ و بعد از گذشت حدود ۵ ماه از آغاز شیوع ویروس، طی بیانیه‌ای از کشورهای عضو میثاق درخواست کرد که اقدامات مؤثر و اضطراری برای محافظت از حق زندگی و سلامتی همه‌ی افراد بکار گیرند. این کمیته اذعان داشته است که دول در معرض تهدید شیوع گسترده‌ی ویروس می‌توانند به طور موقتی به اختیارات اضطراری استثنائی توسل جویند و به حق تعلیق خود مطابق ماده‌ی ۴

میثاق مشروط به اینکه برای صیانت از حیات ملت ضرورت داشته باشد، استناد کنند (UN Doc. (CCPR/C/128/2, 2020, para.2).

۲. نقض حق‌های آزادی رفت و آمد و دسترسی به اطلاعات در مقام حفظ

سلامت عمومی در همه‌گیری کرونا

نظر به اینکه در نتیجه‌ی بکارگیری تدابیری چون قرنطینه‌سازی، فاصله‌گذاری اجتماعی، منع یا محدودسازی رفت و آمد و دسترسی به اطلاعات شاهد نقض حق‌های بشری آزادی رفت و آمد و دسترسی به اطلاعات بودیم، در این قسمت به اجمال نحوه‌ی عملکرد دولتها در اجرای دو حق در جریان این همه‌گیری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. نقض حق آزادی رفت و آمد

بیماری ویروسی کووید-۱۹، بیماری نوظهوری است که تا به امروز واکنس قطعی برای درمان آن ساخته نشده است و از این رو دولتها تلاش کرده‌اند که به منظور اجرای حق بر سلامت، عمدتاً با اقداماتی چون قرنطینه‌سازی و اعمال ممنوعیت یا محدودیت در تردد و مسافرت‌های درون‌مرزی و برون‌مرزی، زنجیره‌ی شیوع ویروس را قطع کنند. نظر به مفاد «ماده‌ی ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»^۱، روشن است که این تدابیر حق آزادی رفت و آمد را نقض کرده‌اند. از آنجایی که اجرای این حق بهره‌مندی از حق‌های بشری چون تشکیل اجتماعات، اشتغال، آموزش، دسترسی به خدمات درمانی و حق بر غذا را

۱. ماده‌ی ۱۲: «۱) هر کس قانوناً در سرزمین دولتی مقیم باشد، حق عبور و مرور آزادانه ... خواهد داشت. ۲) هر کس آزاد است هر کشوری از جمله کشور خود را ترک کند.»

تسهیل و محقق می‌سازد، لذا طبیعی است که تحدید یا تعلیق آن، بر بهره‌مندی از حق‌های مذکور تأثیر جدی می‌گذارد (4: Report of the Secretary General, 2020).

در بحران کرونا، از یک طرف بحث بر سر حق بر سلامت افرادی است که بواسطه‌ی ابتلا به ویروس، مدتی را با محدودیت‌ها و قرنطینه سر می‌کنند و از طرف دیگر، حقوق کسانی مطرح است که ممکن است بواسطه‌ی عدم کنترل عبور و مرور افراد بیمار، به کرونا مبتلا شوند. در این خصوص که این تزاخم حق‌ها را چگونه می‌توان حل کرد، عده‌ای دست بر روی بند ۳ ماده‌ی ۱۲ میثاق فوق‌الاشاره گذاشته‌اند. این مقررہ اجازه می‌دهد که دولت‌ها به صورت قانونی، موقت و در پرتو رعایت اصل عدم تبعیض و احترام به سایر حقوق شناخته شده در میثاق، حق آزادی رفت و آمد را به منظور حمایت از سلامت عمومی محدود کنند (Shahbazi, /Hostmaelingen & Beate Bentzen, 2020: 2-3). کما اینکه همانگونه که گفته شد، کمیته‌ی حقوق بشر نیز با اینکه اذعان داشته است که اقدامات مقابله‌ای دولت‌ها در جریان این همه‌گیری ممکن است بهره‌مندی افراد از حقوق تضمین شده در میثاق همچون حق آزادی رفت و آمد را محدود نماید، اما دولت‌ها را هم جهت توسل به ماده‌ی ۴ میثاق برای تعلیق این حق با هدف حفظ سلامتی مردم و مقابله با تهدید حیات ملی در این وضعیت اضطراری عمومی راهنمایی کرده است.

توضیحات فوق آشکار می‌سازد که مواد ۴ و ۱۲ بروز اصطکاک میان حفظ سلامت عمومی و اجرای حقوق بشر را کاملاً محتمل می‌شمارند. شیوع بیماری‌های ویروسی مانند کرونا بارزترین مصداق چنین چالشی است که در مسیر مقابله با آنها تنها با رعایت دقیق قیود قانونی می‌توان ضمن حفظ سلامت مردم، از نقض دیگر حقوق مدنی و سیاسی افراد یا

عدم انطباق اقدامات اتخاذی دولتها با دیگر تعهدات بین‌المللی‌شان جلوگیری کرد (Toebes, 2015: 496).

شایان توجه است که در چارچوب سازمان جهانی بهداشت، دستورالعمل‌های مرتبط با وضعیت اضطراری بین‌المللی در حوزه‌ی سلامت عمومی هم شامل تمهیداتی هستند که به نوعی در تقابل با حق آزادی رفت و آمد قرار دارند. نمونه‌های این تمهیدات عبارتند از: امتناع از پذیرش ورود افراد مشکوک و مبتلا به بیماری؛ امتناع از پذیرش ورود افراد غیر مبتلا به نواحی آلوده و غربالگری، خروج افراد از مناطق آلوده یا اعمال محدودیت در این خصوص. این سازمان به طور خاص در ارتباط با کرونا، نسبت به اثربخشی اعمال محدودیت‌های رفت و آمد بویژه در بخش مسافرت‌های بین‌المللی ابراز نگرانی کرده است، چرا که معتقد است این محدودیت‌ها می‌توانند به دیگر حق‌های بشری، تجارت بین‌المللی و مساعدت دولتها به یکدیگر آسیب جدی وارد کنند (Ferhani & Rushton, 2020: 467). البته سازمان مکرراً بر لزوم انطباق چنین اقداماتی با موازین بنیادین حقوق بشر تأکید داشته و از آنجا که این اقدامات به راحتی می‌توانند موجبات نقض سایر حق‌های بشری را فراهم آورند، دولتها را موظف به اطمینان حاصل نسبت به عدم تخطی از چارچوب‌های قانونی کرده است. از این مطلب می‌شود اینگونه برداشت کرد که چون در برهه‌ی کنونی اصلی‌ترین راهکار برای کنترل همه‌گیری کرونا، اتخاذ اقدامات متمرکز بر قطع زنجیره‌ی شیوع آن می‌باشد، لذا سازمان جهانی بهداشت هم برای دولتها امکان تحدید و تعلیق حق آزادی رفت و آمد و سایر مشتقات آن را منوط به رعایت استانداردهای مربوطه متصور است.

۲-۲. نقض حق دسترسی به اطلاعات

بند دوم ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، از حق جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات از هر نوع به عنوان مصداقی از حق آزادی بیان سخن می‌گوید که اجرای آن می‌تواند در برخورداری از حقوقی چون آزادی اندیشه و آزادی مطبوعات نیز اثرگذار باشد. حق دسترسی آزادانه به اطلاعات به عنوان یکی از مهمترین و بنیادی‌ترین حقوق نسل اول بشر، در بردارنده و ضامن تحقق سایر آزادی‌های فردی می‌باشد. اهمیت این حق نیز از آن جا ناشی می‌گردد که در نخستین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ و ذیل قطعنامه‌ی شماره‌ی ۵۹، آزادی اطلاعات به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر و به عنوان سنگ بنای سایر آزادی‌هایی که سازمان ملل متحد در راستای آنها شکل گرفته است، معرفی گردید. از آنجایی که دسترسی آزادانه به اطلاعات از ضروریات تحقق حق بر سلامت می‌باشد، لذا در بحران‌هایی مشابه همه‌گیری کرونا، آموزش و ارائه‌ی اطلاعات ضروری، موثق و به روز راجع به ماهیت و روش‌های انتقال بیماری، پیشگیری و کنترل آنها به عنوان یک تعهد بنیادین دولتها، کمک فراوانی به ارتقاء حق بر سلامت خواهد کرد (Pearson, 2018: 215). کمیته‌ی حقوق بشر نیز بر اهمیت وجود ابزارهایی همچون اینترنت و رسانه جهت آشنایی مردم با راه‌های پیشگیری از انتشار ویروس کرونا و خودمراقبتی برای تحقق حق بر سلامت تأکید کرده است. کمیته وجود این ابزارها را برای سنجش میزان انطباق عملکرد دولتها با مفاد میثاق مفید دانسته است (UN Doc. CCPR/C/128/2, 2020: para.2 (f)).

به هر حال علی‌رغم اهمیت حق دسترسی به اطلاعات، در عمل می‌توان به مغایرت اقدامات برخی دولتها با تعهداتشان در این زمینه پی برد. برای مثال، استفاده‌ی از پهبادها و دوربین‌های

تشخیص چهره برای ردیابی حرکات افراد و ارزیابی شرایط سلامتی بدون آگاهی و رضایت افراد در روزهای ابتدای شیوع ویروس در چین، خطر نقض حق بر حریم خصوصی طبق ماده‌ی ۱۷ میثاق را به دنبال داشته است. استخراج داده‌های سیستم موقعیت‌یابی جهانی از شبکه‌های تلفن همراه، اطلاعات کارت اعتباری و تصاویر ویدئویی با هدف نظارت بر شیوع بیماری در کره‌ی جنوبی، سنگاپور و اسرائیل نیز اینگونه بوده است (Nay, 2020: e238). به نظر می‌رسد حتی اگر داده‌های چنین سیستم‌هایی، کاملاً ناشناس هم باشند، باز همچنان وجود خطر مزبور پابرجاست. به عبارت دیگر، خطر عادی‌سازی و بکارگیری چنین روش‌هایی در رویه‌ی دولتها در آینده و در بحران‌های مشابه بالا می‌باشد و رعایت استانداردهای ضروری برای اجرای چنین اقداماتی ضرورت دارد.

علاوه بر مورد فوق، کشورهایمانند چین و تایلند با اعمال اقدامات محدودکننده و سخت‌گیرانه علیه روزنامه‌نگاران و کارکنان بهداشت در زمینه شفاف‌سازی آمار واقعی مبتلایان و قربانیان ویروس کووید-۱۹، بازداشت افراد و کاربران اینترنت به دلیل شایعه‌سازی و گزارش بیماری در رسانه‌های اجتماعی و سانسور مباحثه‌های مجازی راجع به شیوع ویروس، حق آزادی بیان را نقض کردند. (Human Rights Watch, 2020: 3). همچنین برای مثال در مورد دیگری از ژانویه ۲۰۲۰، حداقل ۱۳ کشور محدودسازی اینترنت را اعمال کردند. این امر بی‌اطلاعی جمعیت گسترده‌ای از ابعاد این بیماری در ماه‌های اولیه همه‌گیری را موجب شد و تا حدود زیادی توانایی افراد در به دست آوردن اطلاعات به موقع و موثق در مورد بیماری یا استفاده از ابزارهای دیجیتال برای دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و سایر خدمات لازم را مخدوش کرد (Shahbaz & Funk, 2020). البته نباید فراموش کرد که طبق ماده‌ی ۴ میثاق و نظر کمیته‌ی حقوق

بشر، تعلیق حق دسترسی به اطلاعات امکان‌پذیر می‌باشد که البته باید بررسی کرد که آیا دولتها در مورد حق مزبور الزامات نظام تعلیق حق‌های بشری را برآورده کرده‌اند یا خیر؟

۳. کرونا و مشروعیت تعلیق حق‌های آزادی رفت و آمد و دسترسی به اطلاعات

با اینکه حق دولتها برای تعلیق حق‌های بشری به موجب نظام بین‌المللی حقوق بشر، صلاحیت نسبتاً گسترده‌ای به آنها جهت حمایت و صیانت از نظم، امنیت، اخلاق و سلامت عمومی و نیز حقوق و آزادی‌های دیگران اعطاء می‌کند، اما چنین صلاحیتی بی‌قید و شرط نیست. مشروعیت اقدام دولت در این خصوص منوط به رعایت شکلی و ماهوی است. در همه‌گیری کرونا دولتهای زیادی با اعلام وضعیت اضطراری و محدود کردن و تعلیق دو حق مهم آزادی رفت و آمد و دسترسی به اطلاعات، به این بحران واکنش نشان داده‌اند. نظر به این مقدمه، در ادامه ضمن تشریح شرایط تعلیق حق‌های بشری، مشروعیت اقدام دولتها در عدول از اجرای دو حق مزبور در همه‌گیری کرونا مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۳-۱. اعلام وضعیت اضطراری عمومی

نخستین شرط جهت تعلیق حق‌های بشری، «اعلام وضعیت اضطراری عمومی»^۱ به جامعه‌ی بین‌المللی به عنوان شرط شکلی مشروعیت اقدام دولت می‌باشد. اطلاع جامعه‌ی بین‌المللی از وضعیت پیش‌آمده و اقدام دولت جهت تعلیق حقوق بشر، نظارت نهادهای مزبور بر عملکرد دولت را ممکن می‌سازد (Zamani & Esfandiary, 2017: 21). در باب لزوم صدور چنین اعلامیه‌ی و در واقع مطلع ساختن کشورها، سازمانهای بین‌المللی و نهادهای ناظر بر اسناد حقوق بشری می‌توان به ضرورت نظارت بر اقدامات تعلیقی اشاره کرد. بدین صورت که

1. Proclamation

شرایط اضطراری عمومی که موجودیت یک ملت را تهدید می‌کند، می‌طلبد که جامعه‌ی بین‌المللی از مجرای چنین نظارتی نسبت به حاکمیت قانون و تضمین حقوق بشر اطمینان حاصل کند، زیرا در چنین شرایطی خواه ناخواه به طور کامل یا نسبی بسترهای اجرای برخی مصادیق حقوق بشر از بین می‌رود. لذا کاملاً محتمل است که دولتها از وضعیت پیش آمده در جهت انجام اقدامات خودسرانه و اعمال محدودیت‌های غیر ضروری در اجرای حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بهره‌گیرند.

در شرایط اضطراری عمومی با مشخصه‌ی مدنظر ماده‌ی ۴ میثاق اساساً نهادهای اجرایی، قضایی و قانون‌گذاری نمی‌توانند نمی‌توانند مانند شرایط عادی اقدام کنند و به ناچار می‌بایست جهت مقابله با وضعیت، برنامه‌های مقتضی را تنظیم و پیاده کنند. البته نکته این است که این شرایط دولتها را مجاز نمی‌داند که برای رفع وضعیت اضطراری از هر تدبیر و ابزاری استفاده بکند، بلکه مشخصاً اقدامات باید با رعایت چارچوب‌های قانونی داخلی، بین‌المللی و رویه‌های مشروع صورت گیرند. صدور اعلامیه‌ی شرایط اضطراری سازکاری مناسب برای کنترل عملکرد دولتها محسوب می‌شود. دولتها می‌بایست شرح اقدامات تعلیقی صورت گرفته، قواعد تعلیق شده و دلایل آن، اسناد مرتبط با قوانین تصویب شده در سطح ملی را فوراً به اطلاع دیگر دولتها و دبیرکل سازمان ملل متحد برسانند (UN Doc. CCPR/Rev.1.Add. 11, 2001: Para. 2 / European Convention on Human Rights, 1950: Art.15 (3) / American convention on human rights, 1969: Art. 27 (3)). بعلاوه دولتها باید هر گونه تغییر در وضعیت، اتخاذ اقدامات اضافی (برای مثال از طریق تمدید مدت وضعیت اضطراری)، خاتمه‌ی اقدامات اضطراری و از سرگیری اجرای حق‌های تعلیق شده را نیز اطلاع‌رسانی کند (UN Doc. CCPR/C/128/2, 2020: para.2 (a)). در خصوص این مؤلفه، برای نمونه کمیسیون اروپایی حقوق بشر، در دو قضیه‌ی «قبرس علیه

ترکیه» و قضیه‌ی «مک وی علیه انگلستان»، عدم اعلام وضعیت اضطراری توسط دولتهای استناد کننده به نظام تعلیق را به عنوان عدم مجوز اجرای ماده‌ی ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تلقی نمود. برخلاف آن، کمیته‌ی حقوق بشر مثلاً در قضیه‌ی «رامیرز علیه اروگوئه»، اظهار داشت که حتی در مواردی که دولتهای استناد کننده به نظام تعلیق حقوق بشر، اعلامیه‌ای صادر نکنند، خود کمیته اقدام به بررسی تحقق مولفه‌های مدنظر ماده‌ی ۴ می‌کند (Provost, 2011: 285).

نظر به مطالب فوق، در جریان همه‌گیری کرونا شاهد آن بودیم که تنها برخی از دولتهای آمریکای لاتین و اروپای شرقی چنین اعلامیه‌هایی صادر کردند و احتمالاً تعداد زیادی نتوانسته‌اند الزامات اطلاع‌رسانی را رعایت کنند، زیرا صدور یک اعلامیه‌ی ساده کفایت نمی‌کند و می‌بایست حاوی توضیحات و توجیهاات کافی باشد. از این رو معمولاً تعداد معدودی از آنها در حد یک اعلامیه‌ی دارای شرایط مربوطه پذیرفته می‌شوند. در سطح اروپا، کشورهایی چون رومانی، ارمنستان، گرجستان، آلبانی و صربستان، دبیرکل شورای اروپا را از اجرای ماده‌ی ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مطلع کردند.^۱ در این میان برای نمونه کشورهایی انگلیس و آلمان و فرانسه علی‌رغم بکارگیری اقدامات تعلیقی در سطحی وسیع، حداقل تا ماه می ۲۰۲۰ وضعیت اضطراری را اعلام نکردند و لذا عملکردشان در آن برهه از زمان در تناقض با بند ۳ ماده‌ی ۱۵ می‌باشد (Lebret, 2020: 3-4). در سطح قاره‌ی آمریکا هم گواتمالا، اکوادور، کلمبیا، پرو، آرژانتین و السالوادور از جمله کشورهای صادر کننده‌ی اعلامیه بودند.^۲

1. See: <https://www.coe.int/en/web/conventions/notifications>

2. See: http://www.oas.org/en/sla/dil/inter_american_treaties_suspension_guarantees.asp

در ارتباط با ماده‌ی ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، تا ۱۰ مارس ۲۰۲۱، تقریباً نزدیک به ۲۶ کشور، اعلامیه‌های خود را به اطلاع دبیرکل سازمان ملل رسانده‌اند و عمده‌ی آنها در چندین نوبت آن را تمدید کرده‌اند. آخرین مورد، مربوط به کشور پرو است.^۱ ظاهراً متداول‌ترین حقوق تعلیق شده توسط دولتها عبارتند از آزادی رفت و آمد و تشکیل اجتماعات که با اقدامات کنترل‌کننده‌ی همه‌گیری ارتباط نزدیکی دارند. بیشتر تعلیق‌ها در ابتدا برای مدت یک تا سه ماه تصویب شده بودند که برخی از آنها قبلاً فسخ شده‌اند. با مرور اطلاعات و داده‌ها، برخی محققان استدلال کرده‌اند که کووید-۱۹ دیگر یک وضعیت اضطراری ایده‌ال است که به عنوان نوعی بحران تلقی می‌شود. در این حالت تعلیق حق‌های بشری با هدف مهار این بیماری انجام شده است (Helfer, 2021: 20-21).

در مجموع عملکرد برخی دولتها در تعلیق حق‌های بشری هم تا حدودی نگرانی را نسبت عملکرد قانونی آنها در این همه‌گیری موجب شده است؛ از این جهت که اگرچه بسیاری، رسماً وضعیت اضطراری عمومی را اعلام کرده‌اند، اما برخی به نحو غیررسمی از اختیارات مختص وضعیت‌های اضطراری عمومی استفاده کرده‌اند. همچنین با اینکه برخی از دولتها به اعمال محدودیت نسبت به آزادی‌های مدنی و سیاسی به میزان کم اکتفا کرده‌اند، اما دیگرانی هم بوده‌اند که این وضعیت را دستاویزی برای سرکوب مخالفان قرار دادند. نگرانی دیگری که هم وجود دارد، این است که اکثر کشورهای اعلامیه دهنده، توجیحات دقیقی برای اقدامات خود بیان نکرده‌اند (Helfer, 2021: 21/ Scheinin, 2020). یعنی در واقع علی‌رغم اینکه دولتها موظف بوده‌اند به دقت شرح اقدامات تعلیقی خود به همراه دلایل و مستندات را در اعلامیه ذکر کنند، اما اینگونه عمل نکرده‌اند. این

¹. See: https://treaties.un.org/Pages/CNs.aspx?cnTab=tab2&clang=_en

گونه اقدام شائبه‌ی سوءاستفاده دولتها از وضعیت پیش‌آمده را تقویت می‌کند. این نگرانی‌ها را می‌توان در بیانیه‌ی ۱۶ مارس ۲۰۲۰ کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل نیز مشاهده کرد. آنها هشدار داده بودند که اعلامیه‌های اضطراری مرتبط با کرونا نباید دستاویزی برای هدف قرار دادن گروه‌های خاص، اقلیت‌ها یا افراد باشد. دولتها نباید تحت لوای حفاظت از سلامتی، اقدام به سرکوب کنند و از این اعلامیه‌ها برای ساکت کردن مدافعان حقوق بشر استفاده کنند (Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, 16 March 2020).

۲-۳. رعایت اصل ضرورت

به موجب قیود مندرج در اسناد بین‌المللی پیش‌گفته، اقدامات تعلیقی دولتها باید تا حدی که وضعیت اضطراری حتماً اقتضاء دارد، صورت گیرد.^۱ این نشان می‌دهد که اقدامات تعلیقی باید استثنائی و دارای ماهیت موقتی باشند. استناد به وضعیت اضطراری عمومی، اعمال سیاست‌های فراتر از آن وضعیت را اجازه نمی‌دهد و رعایت این اصل، با هدف جلوگیری از اقدامات خودسرانه‌ی دولتها است. در این راستا کمیته‌ی حقوق بشر معتقد است که سنجش ضرورت اقدامات تعلیقی باید بر اساس سه معیار محدودده‌ی زمانی، قلمرو جغرافیایی و دامنه‌ی مادی (میزان شدت) وضعیت اضطراری صورت گیرد. شرط ضرورت مستلزم این است که کشورهای عضو نه تنها برای تصمیم خود برای اعلام وضعیت اضطراری، بلکه برای هرگونه اقدامات تعلیقی هم باید توجیه دقیق داشته باشند (UN Doc. CCPR/Rev.1.Add. 11, 2001: Paras. 4-5). نکته‌ی اخیر نشان می‌دهد که باید میان دو مسئله‌ی ضرورت اعلام تعلیق و ضرورت اقدامات متعاقب آن قائل به

¹. To the extent strictly required by the exigencies of the situation

تفکیک شد؛ بدین معنا که در صورت موجه بودن تعلیق تعهدات حقوق بشری بواسطه‌ی وجود وضعیت اضطراری، توجیه و اثبات لزوم اتخاذ اقدامات تعلیقی منتفی نخواهد بود. مطابق اصل ۵۴ سیراکیز، اصل ضرورت باید به روش عینی اعمال شود و به صرف وجود یک خطر بالقوه نمی‌توان دست به تعلیق حقوق بشر زد، بلکه احراز یک خطر واقعی، آشکار، بالفعل یا حتمی ضرورت دارد (UN Doc E/CN.4/1984/4, 1984: Principle. 39). در واقع هدف از رعایت این اصل این است که با بالابردن آستانه‌ی شدت وضعیت اضطراری عمومی، نقض حقوق بشر را به حداقل ممکن کاهش داده و عملاً دولت‌ها را برای اتخاذ رویکردهای خودسرانه و سوءاستفاده از شرایط محدود نمایند.

مطابق رویکرد دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیته‌ی حقوق بشر، خود دولت مرجع صالح تشخیص وضعیت اضطراری و اعلام آن است، زیرا دولت قربانی وضعیت بحرانی بیش از سایرین از واقعیات امر و شرایط پیش‌آمده آگاه است. در این خصوص، قضات دیوان مزبور تأکید داشته‌اند که مقامات ملی از موقعیت بهتری نسبت به قضات بین‌المللی برای تصمیم‌گیری در مورد وجود شرایط اضطراری و ماهیت و دامنه‌ی اقدامات تعلیقی لازم برای کنترل اوضاع برخوردارند (Mariniello, 2019: 49). البته اعضای کمیته و قضات دیوان می‌توانند به منظور تحقق یک تعادل هدفمند و عقلانی میان اهداف عمومی و منافع خصوصی، قانونی بودن عملکرد دولت و نیز امکان بکارگیری روش‌های جایگزین و مناسب‌تر برای تحقق اهداف عمومی با آسیب کمتر برای منافع خصوصی از سوی مقامات عمومی را بررسی کنند. کمیته‌ی حقوق بشر تا سال ۱۹۸۰ در تشخیص یک وضعیت اضطراری عمومی تهدید کننده‌ی موجودیت یک ملت از قدرت صلاح‌دیدگی برخوردار بود؛ بدین معنا که صرف اعلام وضعیت از سوی دولت‌ها، برای توجیه تعلیق تعهدات حقوق

بشری کفایت نمی‌کرد و عملاً کمیته نیز باید در این خصوص تصمیم‌گیری می‌گیرد. البته در حال حاضر نیز با اینکه استناد به نظام تعلیق حق‌های بشری یک حق برای دولتها محسوب می‌شود، اما کمیته‌ی حقوق بشر صلاح‌دید محدودی برای دولتها در تحدید یا تعلیق حق‌های بشری قائل است. در مقایسه با دیوان اروپایی حقوق بشر، کمیته در تصمیمات خود سطح استاندارد بالاتری از ضرورت را اعمال می‌کند. دیوان صراحتاً قدرت صلاح‌دید و اختیار گسترده‌ای به دولتها جهت ارزیابی ماهیت و قلمرو اقدامات اتخاذی برای پیشگیری از وقوع شرایط اضطراری اعطاء کرده است. تشخیص این امر که آیا شرایط پیش‌آمده جز وضعیت‌های اضطراری است یا خیر، از جمله این اختیارات می‌باشد.

نظر به توضیحات فوق مشخص می‌شود در بحران‌های همه‌گیری بیماری‌های ویروسی، صرف اعلام وضعیت اضطراری بین‌المللی توسط نهادی مثل سازمان جهانی بهداشت کفایت نمی‌کند. در این خصوص، دولت درگیر وضعیت، اختیار انحصاری و البته تکلیف حقوق بشری دارند. نظر به این مسئله، برخی بیان داشته‌اند که تعلیق حق‌ها طریقت دارد و نه موضوعیت. از این رو، اگر تحقق حق بر سلامت و حق حیات مردم تنها از راه تعلیق حق‌های بشری امکان‌پذیر باشد، دولتها مکلف به اعلام وضعیت اضطراری و بکارگیری تدابیری چون فاصله‌گذاری اجتماعی و قرنطینه هستند (Beigzadeh et al, 2020: 40 / Alizadeh & Zarneshan, 2020: 74)

به نظر می‌رسد در باب اینکه اقدامات اضطراری محدودکننده و تعلیقی دولتها در بحران کرونا به چه میزان ضرورت حتمی داشته است و آیا دولتها اصل ضرورت را رعایت کرده‌اند یا خیر، باید از دو منظر به بررسی موضوع پرداخت. از جهت بعد زمانی می‌بایست میان ماه‌های نخست شیوع ویروس و پس از آن تفکیک کرد. نظر به اینکه در رزوه‌های

ابتدایی، دولتها از ماهیت بیماری و آثار آن چندان آگاه نبودند، لذا با تنگنای شدید انتخاب راه‌های مقابله با این بیماری روبرو شدند. لذا به نظر می‌رسد اقداماتی چون قرنطینه‌ی خانگی، فاصله‌گذاری اجتماعی، منع تردد و مسافرت و تشکیل اجتماعات، تنها راه‌های معقول و مؤثر بودند و بهره‌مندی از آنها به نوعی ضرورت اکید داشت. البته محتمل است که دولتها را در انتخاب این شیوه‌ها فاقد عنصر اراده‌ی آزاد تصور کنیم.

اما بسیار دشوار است که بتوانیم نسبت به زمان پس از اعلام همه‌گیری، شیوه‌های مزبور را تنها انتخاب‌های پیش‌روی دولتها دانست، زیرا به تناسب افزایش شناخت دولت و شهروندان از بیماری، امکان برگزیدن راه‌حل‌های دیگری هم بود که اجرای حق آزادی رفت و آمد و دیگر حق‌های بشری مرتبط با آن را محدود و نه تعلیق می‌کرد. ارائه‌ی داروی‌های موقتی و تزریق واکسن اضطراری، تجهیز بیمارستان‌ها، توزیع کافی و مطلوب تجهیزات بهداشتی، نظارت بر رفت و آمدها، وضع و اجرای شیوه‌نامه‌های بهداشتی سختگیرانه‌تر و برخورد با ناقضان آنها، از این دست راه‌حل‌ها محسوب می‌شود. نظر به همین مسئله بوده است که کمیته‌ی حقوق بشر و حتی سازمان جهانی بهداشت از دولتها خواستند که اقدامات جایگزین که محدودیت کمتری ایجاد می‌کنند، بکار گیرند. در واقع رویکرد کمیته‌ی مذکور به اصل ضرورت، انتخاب سازکارهایی با «کمترین میزان مداخله (مزاحمت)» در حق است؛ شیوه‌هایی که در عین حال که اهداف عمومی را محقق می‌سازند، کمترین مشکل را از جانب منافع و حق‌های فردی در معرض خطر ایجاد کنند (Gerards, 2013: 481-482/ Stefanovska, 2020).

در واقع اگر قرار به حفظ ماهیت و جوهره‌ی حق‌های تحدید یا تعلیق‌شده و رفع تعارض و برقراری تعادل و توازن میان حق فردی و منافع جامعه به نحو مطلوب‌تری باشیم، می‌بایست

اعمال اصل ضرورت در مفهوم شیوه‌های کمتر مزاحم ملاک تصمیم‌گیری قرار گیرد. این دیدگاه در پرتو منطقی میثاق توجیه‌پذیر است، از این جهت که دولتها باید حداکثر تلاش خود را بکار گیرند که به جای تعلیق اجرای تعهدات حقوق بشری، به سمت محدود کردن آنها حرکت کنند. نظر به این مسئله مشخص می‌شود که به هنگام قضاوت در باب عملکرد دولتها در زمان کرونا نزد یک مرجع رسیدگی‌کننده، باید به دقت اینک نکته بررسی شود که آیا در آن شرایط اضطراری اساساً بستر لازم برای اتخاذ شیوه‌های جایگزین اقدامات تعلیقی وجود داشته است یا خیر؛ شیوه‌های که بتوانند با وارد آوردن آسیب کمتری به منافع خصوصی، دولتها را حفظ سلامتی و حیات مردم به عوان اهداف عمومی کمک نمایند.

از منظر قابلیت‌ها و توانایی‌ها برای مقابله با این بیماری نیز باید بین کشورها قائل به تفکیک شد؛ از این جهت که بکارگیری تدابیر تعلیقی را نسبت به دولتهای مایل اما ناتوان نسبت به پیشگیری و مقابله با کرونا از باب ضعف در امکانات و ظرفیت‌های مالی، بهداشتی، زیرساختی و آموزشی یک ضرورت حتمی دانست. در این میان، دولتهای پیشرفته‌ای هم بودند که با توجه به امکانات و ظرفیت‌هایی که داشتند، قادر بودند که اولویت را به انتخاب روش‌های جایگزین بدهند و چنین نکردند. در مورد این دولتها بسیار سخت است که ادعای نبود اراده‌ی آزاد (Paddeu & Parlet, 2020: Part I) و رعایت اصل ضرورت را بتوان پذیرفت؛ کما اینکه شاید بتوان اذعان داشت که برای نمونه عدم صدور اعلامیه وضعیت اضطراری خطاب به دبیر کل شورای اروپا تا ماه می ۲۰۲۰ توسط کشورهای چو فرانسه، آلمان و انگلستان از باب نگرانی آنها در تأمین شرایط صحت توسل به نظام تعلیق از جمله اصل ضرورت بوده است.

در باب تعلیق حق دسترسی به اطلاعات، به نظر می‌رسد که همانگونه که بیان شد، آنچه به مهار این بیماری کمک فراوانی می‌کند، آگاهی بخشیدن بیشتر به شهروندان راجع به بیماری و شیوه‌های پیشگیری و مهار آنها از طریق رسانه‌ها و اینترنت است. محدودسازی یا تعلیق حق دسترسی به اطلاعات نمی‌تواند آنگونه که باید و شاید اثربخش واقع شود. از این رو حتی با یک رویکرد انعطاف‌پذیر و تسهیل‌کننده هم سخت است که بتوان گفت شرایط همه‌گیری حتماً اقتضای تعلیق حق مزبور را داشته است. یعنی در واقع بدون اینکه ضرورتی برای تعلیق چنین حقی بوده باشد، امکان صیانت از سلامت عمومی و اجرای حق بر سلامت وجود داشته و دارد.

در باب اهمیت احترام به حق دسترسی به اطلاعات و ضرورت پابندی دولتها به تعهد مرتبط با آن در دوره‌ی همه‌گیری کرونا، مشخصاً کمیسیون بین (کشورهای) آمریکایی حقوق بشر و نماینده‌ی آزادی رسانه‌های «سازمان امنیت و همکاری در اروپا»^۱، لزوم بسترسازی دسترسی به اطلاعات صحیح و جامع در خصوص ویروس کووید-۱۹ در تمامی قالب‌ها، خودداری از اتخاذ سیاست‌های محدودسازی اینترنت و حمایت مؤثر از روزنامه‌نگاران را مورد اشاره قرار داده‌اند (Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, 19 March 2020) همچنین کمیته‌ی حقوق بشر نیز مقرر داشته است که آزادی بیان و آزادی دسترسی به اطلاعات، در بردارنده‌ی تضمین مهمی است در خصوص این مسئله که اقدامات دولتهای استنادکننده به وضعیت اضطراری ناشی از شیوع کرونا، همگام با تعهداتشان ذیل میثاق حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد (UN Doc. CCPR/C/128/2, 2020: para.2 (f)). در واقع

1. Organization for Security and Co-operation in Europe

گفته‌های کمیسیون و کمیته‌ی مزبور به روشنی لزوم رعایت دقیق اصل ضرورت در تعلیق حق دسترسی به اطلاعات در این همه‌گیری را نشان می‌دهد.

۳-۳. رعایت اصل تناسب

معاهدات حقوق بشری اشاره‌ی صریحی به اصل «تناسب»^۱ ندارند؛ با این حال رویه‌ی دولتها، کمیته‌ی حقوق بشر و آراء قضایی بین‌المللی حکایت از لزوم و اهمیت رعایت این اصل در تعلیق حق‌های بشری است. اصل تناسب در چارچوب حقوق بشر ترکیبی از دو مفهوم «معقولیت ابزاری» (تناسب میان هدف و ابزارهای تحقق آن) و «فایده‌گرایی» (چنانچه اقدامی میزان کلی منافع اجتماعی منهای هزینه‌های آن را به حداکثر برساند، از نظر اخلاقی قابل پذیرش است) را ارائه می‌دهد (Letsas, 2015: 318-320). به عبارت دیگر در چارچوب نظام تعلیق، استناد به وضعیت اضطراری، اتخاذ هر اقدامی توسط دولت استناد کننده مجاز نمی‌دارد و تناسب اقدامات اتخاذ گردیده با شرایط اضطراری ضرورت دارد. به طور کلی، گزارشات ارائه شده به کمیته‌ی حقوق بشر، نشان می‌دهد که این نهاد همواره نسبت به عدم توجه کافی دولتها به این اصل ابراز نگرانی کرده است. دیوان اروپایی حقوق بشر نیز رعایت این اصل در نظام تعلیق را ذیل مؤلفه‌هایی بیان داشته است، از جمله بکارگیری اقدامات مؤثر در مقابله با شرایط فوق العاده، اقناع دیوان در خصوص اقتضاء اقدامات اتخاذ شده و ارائه‌ی دلایل لازم در خصوص این مسئله که شرایط اضطراری، عمل به برخی از حقوق بشر را غیرممکن می‌سازد. (Ardestani & Kamjoo, 2016: 731).

اصل تناسب ایجاب می‌کند که اقدامات تعلیقی دولتها منطقی در تناسب و سازگاری با شرایط اضطراری باشد. در تشخیص این امر می‌توان به میزان خطر و تهدید ایجاد شده به

¹. Proportionality

عنوان یک عامل توسل جست. البته طبیعتاً در شرایطی که با تهدید بالقوه روبرو هستیم، تشخیص این تناسب به میزان زیادی دشوار و شاید در مواردی امکان‌ناپذیر باشد. در وضعیت بالفعل، اقداماتی که دولتها انجام می‌دهند، ناظر به مقابله و رفع شرایط پیش‌آمده است، در حالی در جایی که خطر بالقوه و قریب‌الوقوع است، تدابیر اتخاذی با هدف پیشگیری از تحقق آن خطر صورت می‌گیرد.

مبنتی بر این اصل تناسب، تعلیق حق‌ها تنها به میزانی که اضطراری بودن وضعیت اقتضاء کند، امکان‌پذیر است. مداخله‌ی دولت در حق‌های غیرمطلق مانند آزادی رفت و آمد و دسترسی به اطلاعات در صورتی قانونی است که در تناسب با هدف یا اهداف مشروعی باشد که دولت دنبال می‌کند. این اصل دولتها را در انتخاب شیوه‌های تحقق هدف عمومی محدود می‌کند؛ از این جهت که باید از یک سو باید میان حق‌های فردی و منافع عمومی و از سوی دیگر، میان ابزارهای مورد استفاده‌ی دولت و دستیابی به اهداف تعیین‌شده تعادل منطقی وجود داشته باشد. در واقع پیش‌شرط تناسب، عدول دولتها از اجرای مقررات را سازمانده و این امر را تنها در موارد وجود ضرورت مطلق امکان‌پذیر می‌داند.

رعایت اصل تناسب نیازمند ارزیابی مستمر اقدامات تعلیقی دولتها در خصوص ضرورت اتخاذ آنهاست و این همان کاری است که دولتها با بررسی مجدد در زمینه تعویق اقدامات خود به عمل می‌آورند. در این میان کمیسیون بین (کشورهای) آمریکایی حقوق بشر اذعان داشته است که سنجش ضرورت اقدامات اتخاذی دولتها بر اساس برترین شواهد علمی استوار می‌باشد. باید توجه داشت که اتخاذ تمهیدات ویژه برای تأمین حقوق اولیه‌ی افراد آسیب‌پذیر در وضعیت‌های اضطراری عمومی، یکی دیگر از اقتضائات اصل مزبور می‌باشد (Lebret, 2020: 7-8).

یکی دیگر از الزامات اصل تناسب، لزوم موقتی و استثنائی بودن اقدامات تعلیقی است؛ بدین معنا که این اقدامات باید صرفاً محدود به دوره‌ی وضعیت اضطراری عمومی باشد. درست است که ماده‌ی ۴ میثاق و ماده‌ی ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به صراحت از این شرط صحبت نکرده‌اند، اما از این عبارت که « به میزانی که وضعیت حتماً ایجاب می‌نماید»^۱ می‌توان فهمید که تعلیق باید به صورت موقتی و محدود به دوره‌ی وجود شرایط اضطراری باشد. در همین راستا کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، اعلام خاتمه‌ی استناد به نظام تعلیق را لحاظ نموده است. اگرچه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی چنین شرطی را مقرر نکرده‌اند، اما دولتها ملزم به صدور یک اعلامیه‌ی بعدی در این خصوص هستند (Emmons, 2020). برای نمونه در ارتباط با همه‌گیری کرونا، در سطح اروپا بسیاری همانند اتریش، بلژیک، چک، دانمارک، فنلاند و ایتالیا کاهش یا لغو محدودیت‌ها یا ممنوعیت‌های رفت و آمد و تشکیل اجتماعات را اعلام کردند (Marzocchi, 2020: 6-7). البته در این میان باید اشاره نمود که دیوان اروپایی حقوق بشر، تاکنون هرگز به صراحت شرط موقتی بودن اقدامات تعلیقی را الزام نکرده است و در واقع قضایای مطروحه نشان می‌دهد که در مواردی، این امکان وجود دارد که یک وضعیت اضطراری عمومی در مفهوم ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، تا سال‌ها ادامه یابد. (برای مثال در «قضیه‌ی ایرلند علیه بریتانیا ۱۹۸۷» و «قضیه‌ی مارشال علیه بریتانیا ۲۰۰۱») (European Court of Human Rights, 30 April 2021: para.9).

در نهایت این نکته را نیز نباید فراموش کرد که دامنه‌ی اصل تناسب صرفاً به سازگاری میان اقدامات تعلیقی با شرایط اضطراری محدود و منحصر نمی‌باشد. بلکه لزوم تناسب میان اقدامات

¹. to the extent strictly required by the exigencies of the situation

تعلیقی با دیگر تعهدات دولت به موجب حقوق بین‌الملل نیز یک ضرورت است. علت هم این است که دولتها تحت هیچ شرایطی حق ندارند که به بهانه‌ی وجود شرایط اضطراری و لزوم تعلیق تعهدات حقوق بشری‌شان، دست به نقض دیگر تعهدات بین‌المللی‌شان بزنند.

در ارتباط با همه‌گیری کرونا با اینکه منفعت حفظ سلامت عمومی و حیات ملت به وضوح بالاتر از منافع و حقوق فردی نقض شده در نتیجه‌ی منع یا محدود کردن حق آزادی رفت و آمد و دسترسی به اطلاعات است، اما به نظر می‌رسد که اقدامات تعلیقی در بعضی مواقع به گونه‌ای اعمال شده‌اند که در رابطه با حق‌های آزادی رفت و آمد و دسترسی به اطلاعات از آستانه‌ی تناسب فراتر رفته‌اند (Salem, 2020). در حالی که برخی کشورها با توجه با میزان پایین شیوع بیماری و تهدیدهای ناشی از آن از یک سو، و ظرفیت‌های بالای آنها در مهار بیماری از سوی دیگر، قادر به جایگزینی اقدامات تعلیقی با تدابیر محدودکننده‌ی حق‌های بشری بودند، اما این اتفاق صورت نگرفت. عملاً در ارتباط با این دسته از کشورها می‌توان به نقض اصل تناسب نظر داد.

هنوز ابهامات زیادی در باب وضعیت انتقال ویروس کرونا و آثار و عوارض آن وجود دارد. دولتها در این برهه، از تجربیات و اقدامات یکدیگر الگوبرداری کرده‌اند و به نوعی در این مرحله با توجه به دانش فعلی نسبت به این ویروس، ارزیابی کفایت محدودیت‌ها و تناسب آنها دشوار می‌باشد. در کل به نظر می‌رسد در باب اینکه دولتهای استنادکننده به نظام تعلیق، اصل تناسب را رعایت کرده‌اند یا خیر، بتوان به همان توضیحات و استدلال‌هایی که در باب رعایت اصل ضرورت در پرتو تفکیک وضعیت از جهت زمان اتخاذ اقدامات تعلیقی و تفاوت توانایی کشورها در مقابله با ویروس بیان شد، اکتفا کرد.

۴-۳. رعایت اصل عدم تبعیض

مطابق بند ۱ ماده ۴ میثاق، تدابیر تعلیقی نباید منجر به تبعیضی منحصرأ بر اساس رنگ، نژاد، جنس، زبان و اصل و منشاء مذهبی یا اجتماعی شوند.^۱ شایان ذکر است که منع تبعیض که خود از قیود تعلیق اجرای برخی حق‌های بشری است، به طور خاص یک حق بشری هم محسوب می‌شود.^۲ به اعتقاد کمیته‌ی حقوق بشر هر چند این حق در فهرست حقوق مطلق و غیر قابل تعلیق مندرج در بند ۲ ماده ۴ قرار ندارد، اما ابعادی دارد که تحت هیچ شرایطی قابل عدول نیستند (UN Doc. CCPR/Rev.1.Add. 11, 2001: Para.8). همانطور که در شرایط عادی، مقررات حقوق بشری باید بدون تبعیض نسبت به کلیه‌ی افراد تحت صلاحیت دول عضو کنوانسیون‌های حقوق بشری اجرا شود، در وضعیت اضطراری عمومی و در زمان اتخاذ تدابیر تعلیقی نیز باید نسبت به همه به نحو یکسان رفتار شود. با توجه به اینکه هدف غالب تعلیق حقوق بشر در چنین وضعیت‌هایی باید کنترل اوضاع، بازگشت به شرایط عادی و حمایت مؤثر از حقوق بشر باشد، لذا تدابیر اتخاذی نباید کمترین آسیب را به این هدف اصلی بزنند. بی‌شک تحقق این امر منوط به رعایت اصل عدم تبعیض در کنار اصول ضرورت و تناسب می‌باشد (Zamani & Esfandiary, 2017: 33-34).

راجع به همه‌گیری کرونا، با توجه به شرایط بحرانی پیش آمده و خطر بالای سوءاستفاده از حقوق بشر، حقوق افرادی همچون اقلیت‌های خارجی و گروه‌های آسیب‌پذیر در معرض خطر و آسیب قرار گرفته‌اند. برای نمونه در برخی کشورها شرایط بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها به نحوی بوده است که در مقطعی هیچ اقدامات پیشگیرانه‌ای در خصوص انتقال و ویروس به افراد صورت نگرفته است. همچنین کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل نیز گزارش داده است که

^۱. Non-Discrimination Principle

^۲. در مواد ۲، ۳، ۱۴ (بند ۱)، ۲۳ (بند ۴)، ۲۴ (بند ۱)، ۲۵ و ۲۶ به قاعده‌ی منع تبعیض اشاره شده است.

اقدامات دولتها مبنی بر خودداری از پذیرش پناهندگان یا پناهجویان بدون وجود شواهدی مبنی بر تهدید بودن آنها برای دولتها تبعیض‌آمیز بوده و با استانداردهای بین‌المللی مطابقت ندارد. علاوه در کشورهای اروپایی، شکایاتی با موضوع اعمال تبعیض علیه افراد بواسطه‌ی معلولیت و سن مطرح و در باب افزایش بیگانه‌ستیزی و نژادپرستی در طی بحران هم گزارش‌های ارائه شده است (Council of Europe, CDADI Report: 2020: 5-8). همچنین در مواردی شاهد نژادپرستی، بیگانه‌ستیزی و تبعیض علیه افراد آسیایی تبار در کشورهای چون آمریکا، انگلستان، اسپانیا و ایتالیا بوده‌ایم. این حوادث از جمله شامل ضرب و شتم، زورگویی در مدارس، تهدیدهای جانی و تبعیض در مدرسه و محل کار بوده است (Human Rights Watch, 2020: 11-12).

با توجه به این که اکثر دولتها اقدامات خود را بر پایه‌ی سیاست‌هایی همچون قرنطینه‌سازی و فاصله‌گذاری‌های اجتماعی در ابعاد مختلف پایه‌گذاری کرده‌اند، اما خطر نقض حقوق گروه‌های خاص و آسیب‌پذیر همچون اقلیت‌های مذهبی، اتباع خارجی، مهاجران، پناهندگان، زنان، افراد معلول، سالمندان و زندانیان همواره به مقتضای بحران کنونی وجود دارد. در زمان قرنطینه، دولتها باید دسترسی آسان شهروندان به آب و غذای سالم و کافی و نیز مراقبت‌های بهداشتی لازم را تضمین کنند. بویژه ارائه‌ی بی‌وقفه‌ی خدمات به معلولان و سالمندان بسیار مهم است، چرا که اختلال در این زمینه می‌تواند باعث ورود آسیب و حتی مرگ آنها شود (Human Rights Watch, 2020: 6). در این خصوص کمیسیون آمریکایی حقوق بشر از دولتها خواسته است که به آثار خاصی که تدابیر محدود کننده یا تعلیقی در این همه‌گیری برای افراد آسیب‌پذیر به همراه دارد، توجه کنند. همچنین اصل عدم تبعیض را نیز سرلوحه‌ی کار خود قرار داده و در هر تصمیم یا

اقدام اتخاذی، به دیدگاه‌های جنسیتی، مقطعی، زبانی و بین فرهنگی توجه کنند (Lebret, 2020: 9).

در کل نظر به مسائل فوق بوده است که کمیته‌ی حقوق بشر تأکید کرده است که دولت‌ها نباید حتی در شرایط اضطراری، طرفداری از نفرت ملی، نژادی یا مذهبی ایجاد کننده‌ی تبعیض، خصومت یا خشونت را تحمل کنند. دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که گفتمان عمومی راجع به کووید-۱۹، تحریک علیه گروه‌های خاص حاشیه‌نشین یا آسیب‌پذیر از جمله اقلیتها و اتباع خارجی را به دنبال ندارد و هیچ گونه حمایتی هم در این خصوص صورت نگیرد (UN Doc. CCPR/C/128/2, 2020: Para.2 (e)).

در مجموع در پرتو اتخاذ یک رویکرد سخت‌گیرانه سخت بتوان از رعایت اصل عدم تبعیض در جریان اقدامات تعلیقی دولت‌ها صحبت کرد. به هر حال اگر چه تحمیل و اجرای یکنواخت قرنطینه‌های طولانی مدت و وسیع به نوعی در اغلب موارد خودسرانه و همراه با تبعیض هستند، اما نباید فراموش کرد که در این وضعیت بحرانی، تبعیض از آثار اجتناب‌ناپذیر قرنطینه‌ی خانگی و فاصله‌گذاری اجتماعی است. به همین دلیل اقدامات دولت‌ها باید همراه با رعایت استانداردهای مربوطه در پرتو توجه ویژه به گروه‌های آسیب‌پذیر صورت گیرد تا تبعیض به حداقل ممکن برسد. در غیر این صورت اقداماتی که نقض حقوق چنین گروه‌هایی را هدف قرار دهد، بدون هیچ قصد مشروعی در خصوص حفظ سلامت عمومی، ناقض اصل عدم تبعیض بوده و شرایط استناد به نظام تعلیق را فراهم نمی‌آورد.

۳-۵. رعایت سایر تعهدات بین‌المللی

شرط دیگر تعلیق حق‌های بشری، عدم مغایرت اقدامات تعلیقی با سایر تعهدات بین‌المللی دولت است. کمیته‌ی حقوق بشر تأکید داشته است که بویژه آندسته از تعهدات

حقوق بشری و بشردوستانه‌ی دولتها که غیرقابل تعلیق اعلام شده‌اند، هرگز نباید نقض شوند (UN Doc. CCPR/C/128/2, 2020: Para.2 (d)). شایان ذکر است که چنانچه اسناد بین‌المللی عدول از اجرای حق خاصی را ممنوع کرده باشند، در حالی که به موجب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اینگونه نباشد، باز دولت مجاز به تعلیق آن حق نخواهد بود. در باب عدم مغایرت اقدامات تعلیقی با دیگر تعهدات بین‌المللی، به طور خاص می‌توان به وضعیت مخاصمه به عنوان یک نمونه‌ی واضح وضعیت اضطراری عمومی تهدید کننده‌ی حیات یک ملت اشاره دارد. به احتمال زیاد دولتهای طرف مخاصمه تلاش می‌کنند از وضعیت پیش آمده سوءاستفاده نموده و با استناد به میثاق، دست به تعلیق حق‌هایی بشری بزنند که به موجب مقررات بین‌المللی، نمی‌توان از اجرای آنها در زمان جنگ عدول کرد. در حقوق بین‌الملل معاصر بر همگان آشکار است که حقوق بشر، دیگر خاص زمان صلح نیست و دولتها متعهدند که در زمان جنگ، در کنار حقوق بشردوستانه، حقوق بشر را نیز رعایت کنند. همچنین ممکن است دولتها در کنار تعلیق حق‌های بشری با توسل به مقررات بین‌المللی مربوطه، از اجرای مقررات بین‌المللی حقوق بشردوستانه نیز سر باز زنند. در حالی که آنگونه که ماده‌ی ۴ میثاق به صراحت مشخص کرده است، دولتها هرگز مجاز به نقض سایر تعهدات بین‌المللی خود به بهانه‌ی تعلیق حقوق بشر نیستند. در غیر این صورت، اقدامات تعلیقی از مشروعیت برخوردار نبوده و به عنوان یک عمل متخلفانه بین‌المللی، باعث مسئولیت دولت خواهد شد.

نظر به مطلب فوق، دولتهای استنادکننده به ماده‌ی ۴ میثاق باید مراقبت نمایند که تعلیق دو حق آزادی رفت و آمد و دسترسی به اطلاعات و حقوقی که به نحوی به آنها مرتبط هستند، در تناقض با سایر تعهدات بین‌المللی‌شان حتی تعهدات مندرج در کنوانسیون‌های منطقه‌ای قرار

نگیرند. در حالی که همانگونه که بیان شد، مثلاً اقدام دولتها به منع مسافرتها و تردهای بین‌المللی تا حدود زیادی اجرای تعهدات دولتها به موجب اسناد بین‌المللی مرتبط با پناهندگان را به چالش کشانده است. نظر به همین مسئله بوده است که همانگونه که گفته شد، سازمان جهانی بهداشت از دولتها به طور ویژه خواسته است که در باب منع یا محدودسازی رفت‌آمدها بخصوص در سطح بین‌المللی در زمان همه‌گیری کرونا دقت کافی بعمل آورند، زیرا این نوع اقدام محتملاً می‌تواند به عاملی برای نقض دیگر تعهدات بین‌المللی دولتها در حوزه‌های حقوق بشر و تجارت بین‌الملل تبدیل شود. کما اینکه در واقعیت همین اتفاق روی داد و عملاً شاهد این بودیم که مثلاً اقتصاد دنیا با رکودی عظیم و شاید بی‌سابق‌تر روبرو شد و ارتکاب نقض حقوق بشر نسبت به زمان قبل از همه‌گیری افزایش یافت.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که بیماری کرونا یک وضعیت اضطراری عمومی است که حیات و موجودیت تمامی ملت‌های دنیا را با مخاطره و تهدید جدی روبرو کرده است، چرا که این بیماری با سرعت و شدت بالایی و در مدت زمان اندک، سراسر دنیا را فرا گرفت. آمار بالای مبتلایان و مرگ و میر آن، آشکار از وجود یک مخاطره و تهدید بالفعل و در عین حال بالقوه برای سلامت و حیات مردم حکایت دارد. البته نباید خسارات بیشمار این بیماری برای عرصه‌ی اقتصاد دنیا که ارتباط مستقیمی با سلامت و حق حیات مردم دارد، را فراموش کرد. نظر به این موضوع، مشخص می‌شود که دولتها آنگونه که کمیته‌ی حقوق بشر هم اذعان داشته است، می‌توانند با استناد به ماده‌ی ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و در صورت رعایت اصول تناسب و ضرورت، عدم تبعیض، اعلام وضعیت اضطراری به

سایرین و نیز عدم نقض سایر تعهدات بین‌المللی‌شان، برخی تعهدات حقوق بشری خود که حق آزادی رفت و آمد و حق دسترسی به اطلاعات از جمله‌ی آنها محسوب می‌شود را تعلیق نمایند. قابل ذکر است که تحدید و تعلیق این حق‌ها در مقام صیانت از سلامت عمومی و حیات مردم صورت گرفته است و در واقع نظام تعلیق حق‌های بشری، سازگار مورد پذیرش حقوق بین‌الملل برای حل چالش میان حفظ سلامت عمومی از یک سو، و رعایت حقوق بشر از سوی دیگر می‌باشد.

یکی از یافته‌های مهم این مقاله این است که اگرچه تقریباً تمامی کشورهای دنیا در برهه‌هایی دست به تعلیق دو حق بشری مذکور زدند، اما نمی‌توان در مورد رعایت شرایط ماده‌ی ۴ توسط تمامی دولتها، نظر و حکم یکسانی داد. دلیل این امر هم کاملاً مشخص است، زیرا دولتها از نظر برخورداری از ظرفیت‌ها و توانایی‌های مالی، اقتصادی، بهداشتی و آموزشی و نیز تمایل و آمادگی برای پیشگیری و مقابله با کرونا، با یکدیگر متفاوت هستند. گفتنی است که مشخصاً در باب رعایت معیار موقتی بودن اقدامات تعلیقی باید توجه داشت که ارزیابی آن در وضعیت فعلی منوط به اتمام شرایط بحرانی همه‌گیری می‌باشد. با توجه به استمرار همه‌گیری و نوسان آن و در نتیجه غیرقابل پیش‌بینی بودن اوضاع در بیشتر کشورها، نمی‌توان به طور قاطعانه از قانونی‌بودن عملکرد دولتها در تعلیق حق‌های آزادی رفت و آمد و دسترسی به اطلاعات سخن گفت.

این مقاله نتیجه می‌گیرد که عدم رعایت اصول ضرورت و تناسب مدنظر در ماده‌ی ۴ میثاق در مورد کشورهایی که با توجه به میزان پایین شیوع این بیماری و آثار و خطرات آن در سرزمینشان، می‌توانستند به جای تعلیق حق‌های آزادی رفت و آمد و دسترسی به اطلاعات به سراغ محدود کردن موقتی آنها بروند، قابل تشخیص است. حتی اگر از منظر

بعد زمان تعلیق این حق‌ها و اتخاذ اقدامات تعلیقی چون فاصله‌گذاری اجتماعی، قرنطینه، منع یا محدود سازی تجمعات و رفت و آمدهای داخلی و بین‌المللی هم به مسئله نگاه کنیم، نتایج و یافته‌های شفاف و مشخصی بدست می‌آید؛ در واقع باید میان روزها و ماه‌های ابتدایی شیوع بیماری با ماه‌های پس از آن تفاوت قائل شد، چرا که در ابتدا این بیماری و آثار آن برای همگان حتی افراد ذی‌صلاح حوزه‌ی بهداشت و سلامت نیز تا حدود زیادی ناشناخته بود. در چنین شرایطی، حداقل در باب تعلیق حق آزادی رفت و آمد باید گفت که طبیعتاً بکارگیری اقدامات مزبور به عنوان یک مجموعه از اقدامات و تنها راه‌های معقول و امکان‌پذیر برای پیشگیری و مقابله با این بیماری و حفظ حق بر سلامت و حیات مردم در روزها و ماه‌های نخست یک ضرورت محسوب می‌شد و به لحاظ مقررات بین‌المللی قابل توجیه هستند و مسئولیتی برای دولت‌ها به دنبال ندارد. همچنین از آنجایی که دولت‌ها چاره‌های جز انتخاب این تدابیر نداشتند و در آن برهه راه‌های جایگزین وجود نداشت، بنابراین می‌توان به رعایت اصل تناسب توسط کشورها هم باور داشت.

اما نسبت به ماه‌های پس از عبور از بحران اولیه و به دنبال آگاهی از ابعاد و تهدیدات این بیماری، دیگر دشوار بتوان توجیه دولت‌ها و استناد آنها به نظام تعلیق حق‌های بشری به منظور رفع مسئولیت از خود را پذیرفت، زیرا عمده‌ی دولت‌ها این فرصت را پیدا کردند که با تدابیری چون بهبود ساختارهای بهداشتی، افزایش کیت‌های آزمایشگاهی (آنگونه که کمیته‌ی حقوق بشر توضیه نموده است)، بالا بردن میزان آگاهی مردم از خطرات بیماری، واکسینه کردن شهروندان خود، نظارت هوشمندانه بر رفت و آمدها و تصویب پروتکل‌های بهداشتی سخت‌گیرانه بویژه برای محیط‌های بسته و شلوغ، به سراغ تحدید و نه تعلیق حق

آزادی رفت و آمد بروند. در واقع با گذشت زمان، دیگر صرفاً انتخاب تدابیری چون منع رفت و آمد و قرنطینه نمی‌توانست ضرورت حتمی و حتی تناسب با وضعیت داشته باشد.

البته در باب تعلیق حق دسترسی به اطلاعات به نظر می‌رسد که صرف‌نظر از هر ملاحظه‌ای باید دولتهای استناد کننده به نظام تعلیق را ناقض این حق دانست؛ چرا که اساساً این حق از ملزومات اصلی تحقق حق بر سلامت محسوب می‌شود و در این خصوص می‌توان از نقض این حق توسط آن دولتهایی سخن گفت که به دست به سانسور اطلاعات و ممنوعیت دسترسی شهروندانشان به اطلاعات مرتبط با بیماری بویژه در مورد آمار مرگ و میر آن زدند.

این مقاله همچنین استدلال می‌کند که با توجه به بررسی‌های بعمل آمده، شاید کمتر دولتی توانسته باشد اصل عدم تبعیض به عنوان دیگر مؤلفه‌ی لازم برای صحت تعلیق حق‌های بشری را رعایت کرده باشد، زیرا این اصل اقتضائات فراوان و پیچیده‌ای دارد. بویژه در مورد قشر سالمند، معلول و پناهنده در سراسر دنیا، شاهد اعمال تبعیض در نتیجه‌ی بکارگیری اقدامات تعلیقی بوده‌ایم. به هر حال آنچه مشخص است، این مسئله است که عدم رعایت هر یک از شروط تعلیق حق‌های بشری به معنای ارتکاب عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی توسط دولتهاست که این امر، خود مسئولیت بین‌المللی دولتها را به دنبال دارد. البته نباید فراموش کرد که فارغ و فراتر از این سازکار، دولتها شانس و فرصت توسل به عوامل رافع مسئولیت بین‌المللی دولتها همچون فورس ماژور، اضطرار و ضرورت را نیز دارند که البته امکان‌سنجی آنها، موضوع این مقاله نیست.

در کنار نتایج فوق، این یافته نیز می‌تواند قابل توجه باشد که چنانچه از منظر به رهیافت حداقلی به حق بر سلامت (بهره‌مندی شهروندان از حداقل‌های رفاهی) در این همه‌گیری به تحلیل وضعیت پردازیم، می‌توان توسل به نظم تعلیق حق‌های بشری را تا حدودی زیادی

پذیرفت. اما در رویکرد حداکثری، تحقق حق بر سلامت به طور جدی وابسته به اجرای سایر حق‌های بشری از جمله برخورداری از آب و غذای کافی و سالم، آزادی رفت و آمد، تشکیل اجتماعات و دسترسی به اطلاعات است. از این رو اساساً حق بر سلامت به موازات و در تعامل با حقوق مزبور اجرایی می‌شود. لذا دستیابی به عالی‌ترین سطوح استاندارد قابل حصول سلامتی در ضمن توسل به نظام تعلیق حق‌های بشری با تردید جدی روبرو است.



منابع

- 1) Alizadeh, Massoud & Zarneshan, Shahram. (2020). "Covid-19 Crisis and Due Diligence Principle in International Law", Public Law, Volume 22, Issue 67.[In Persian].
- 2) American convention on human rights, 1969
- 3) Ardestani, Ali & Kamjoo, Elahe. (2016). "The conditions of suspension of human rights in armed conflicts (Case study: the Israeli-Palestinian crisis)", Public Law Studies Quarterly, Volume 46, Issue 3. [In Persian].
- 4) Beigzadeh, Ebrahim. (2020). "Corona's dilemma in the mirror of international law", Legal Research Quarterly, Vol. 23, LAW and COVID- 19, Summer. [In Persian].
- 5) Council of Europe, CDADI (2020), Report: "COVID-19: An Analysis of the Anti-Discrimination, Diversity and Inclusion Dimensions in Council of Europe Member States", 17 July 2020.
- 6) COVID-19 Data in Motion: Monday, July 5, 2021, Available at: <https://coronavirus.jhu.edu/>
- 7) Criddle, Evan J., Fox-Decen, Evan (2012), "Human Rights, Emergencies, and the Rule of Law", Human Rights Quarterly, Vol.34.
- 8) Emmons, Cassandra (2020), "International Human Rights Law and COVID-19 States of Emergency", 25 April 2020.
- 9) European Convention on Human Rights, 1950.
- 10) European Court of Human Rights (2021), "Guide on Article 15 of the European Convention on Human Rights, Derogation in time of emergency, Updated on 30 April 2021.
- 11) European Parliamentary Research Service (2020), Report: "States of emergency in response to the coronavirus crisis: Situation in certain Member States", 17 June 2020.
- 12) Factsheet: European Court of Human Rights (2021), "Derogation in time of emergency", April 2021.
- 13) Ferhani, Adam & Rushton, Simon (2020), "The International Health Regulations, COVID-19, and bordering practices: Who gets in, what gets out, and who gets rescued?", Contemporary Security Policy, Vol.41, No.3.
- 14) Gerards, Janneke (2013), "How to improve the necessity test of the European Court of Human Rights", International Journal of Constitutional Law, Vol.11, No. 2.
- 15) Helfer, Laurence R (2021), "Rethinking Derogations from Human Rights Treaties", The American Society of International Law, Vol.115, No.1.
- 16) Hostmaelingen, Njal, Beate Bentzen, Heidi (2020), "How to operationalise human rights for COVID-19 measures", BMJ Glob Health, Vol.5, No.7.
- 17) Human Rights Committee, "Statement on derogations from the Covenant in connection with the COVID-19 pandemic", CCPR/C/128/2, 30 April 2020.

- 18) Human Rights Committee, General Comment, No. 29: Article 4: Derogations during a State of Emergency, UN Doc. CCPR/Rev.1.Add. 11, 31 August 2001.
- 19) Human Rights Watch (2020), Report: "Human Rights Dimensions of COVID-19 Response", 19 March 2020.
- 20) International Covenant on Civil and Political Rights, 1966.
- 21) Jovičić, Sanja (2021), "COVID-19 restrictions on human rights in the light of the case-law of the European Court of Human Rights", Journal of the Academy of European Law, Vol.21, Issue.4.
- 22) Lebre, Audrey (2020), "COVID-19 pandemic and derogation to human rights", Journal of Law and the Bio sciences, Vol.7, No.1.
- 23) Letsas, George (2015), "Rescuing Proportionality", in: Philosophical Foundations of Human Rights, Edited by Rowan Cruft, S. Matthew Liao, and Massimo Renzo, New York: Oxford University Press,
- 24) Mariniello, Triestino (2019), "Prolonged emergency and derogation of human rights: Why the European Court should raise its immunity system", German Law Journal, Vol.20, No.1.
- 25) McGoldrick, Dominic (2004), "The interface between public emergency powers and international law", Oxford University Press and New York University School of Law, Vol. 2, No. 2.
- 26) Nay, Olivier (2020), "Can a virus undermine human rights?", Lancet Public Health Actions, Vol.5, No.5.
- 27) Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (2020), Report: "COVID-19: States should not abuse emergency measures to suppress human rights – UN experts", 16 March 2020.
- 28) Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (2020), Report: "COVID -19: Governments Must Promote and Protect Access to and Free Flow of Information During Pandemic – International Experts", 19 March 2020
- 29) Pearson, Esther (2018), "Towards human rights-based guidelines for the response to infectious disease epidemics: righting the response", Australian Journal of Human Rights, Vol.24, No.2.
- 30) Provost, Rene (2011), International Human Rights and Humanitarian Law, Cambridge University Press.
- 31) Salem, Nora (2020), "Proportionality of State Emergency Health Measures amid COVID-19", 13.05.20.
- 32) Scheinin, Martin (2020), "COVID-19 Symposium: To Derogate or Not to Derogate?", 6 April 2020.
- 33) Shahbaz, Adrian, Funk, Allie (2020), "Information Isolation: Censoring the COVID-19 Outbreak".

- 34) Shahbazi, Aramesh. (2020). "Legal Analysis of the Prevalence of Coronavirus in the Scope of International Health Regulations", in: <https://tisri.org/?id=gblaw0j8>[In Persian].
- 35) Sheeran, Scott P. (2013), "Reconceptualizing States of Emergency under International Human Rights Law: Theory, Legal Doctrine, and Politics", Michigan Journal of International Law, Vol. 34, Issue. 3.
- 36) Stefanovska, Vesna, Derogation of Human Rights Rules in Times of Emergency, July 4, 2020.
- 37) Taghvaei, Abbas & Lorkojuri, Atefeh. (2020). "International Law and Pandemic Diseases (Case Study: Coronavirus)", Journal of Political Strategy, Volume 4, Issue 13.[In Persian].
- 38) The Siracusa Principles on The Limitation and Derogation Provisions in the International Covenant on Political and Civil Rights, Annex, UN Doc E/CN.4/1984/4, 1984.
- 39) Toebes, Brigit (2015), "Human rights and public health: towards a balanced relationship", The International Journal of Human Rights, Vol.19, No.4.
- 40) United Nations, Secretary General, Report: "COVID-19 and Human Rights: We are all in this together", 23 April 2020.
- 41) Website:
- 42) World Health Organization (2020), "Statement on the Second Meeting of the International Health Regulations (2005), Emergency Committee Regarding the Outbreak of Novel Coronavirus (2019-nCoV)", 30 January 2020.
- 43) World Health Organization, "International Health Regulations", 2005.
- 44) Zamani, Seyed Ghasem & Esfandiary, Marzieh. (2017). "Derogation of Human Rights in Situation of Public Emergency", Journal of Legal Research, Volume 16, Issue 31.[In Persian]
- 45) Zidar, Andraž (2015), WHO International Health Regulations and human rights: from allusions to inclusion, "The International Journal of Human Rights", Vol.19, Issue. 4.